

اسطوره بهشت زمینی، اتوبی بنی صهیون، آرمان شهر بسته، معاد مادی

عصر طلایی در سرآغاز و سرانجام تاریخ، اسطوره‌های شایع در میان همه اقوام، مذاهب و مکاتب است و هر کدام به فراخور جهان بینی متلفیزیکی یا ایدئولوژی مادی خود، تصویری از جامعه آرمانی خود می‌سازند. در تفکر غربی با لفظ اتوبی از شهر آرمانی خود یاد می‌کنند. در این فرهنگ امانیستی، اتوبی مدینه زمینی است که اهل آن مقام و جای معین در مدینه دارند و این را قانون بشری و زمینی مدینه، مقرر کرده است.^۱

می‌توان گفت:

اتوبی، مدینه رؤیایی است که اهل آن دیگر تاریخ ندارند و آسوده از هر خوف و هیبت و فارغ از اندیشه مرگ، در مقامی که نظام مدینه مقرر داشته است، به کار خود مشغولند.^۲

در دوران تجدد، آرمان شهر بشری شهری تکنولوژیک بود که آدمی هیچ کاری را با دست انجام نمی‌داد و روپات‌ها و رایانه‌ها حتی غذا را درون دهان او می‌گذاشتند و حتی لازم نبود که غذا بخورد. اوایل که ویتامین کشف شده بود، غرور سبک سرانته یک کاریکاتور است مفرور از تکنولوژی و پیشرفت، او را واداشت که تصویری از یک انسان بدون شکم بکشد؛ چرا که با کشف و تولید انبوه ویتامین‌ها دیگر لازم به غذا خوردن نیست و با قرص‌ها همه ویتامین‌ها وارد خون می‌شوند و در نتیجه بر مبنای نظریه تکامل کم‌کم مدها و روده‌ها و دیگر اعضای مربوط به دستگاه گوارش که بدون استفاده ماندند، از بدن حذف می‌شوند.^۳

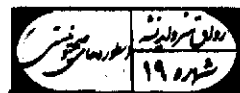
در زمانه پسانتجده که آدمی تا اندازه ای فهمید غرور سابقش کمی نابهجا بوده است و تکنولوژی این طورها هم نیست که می‌گویند و خطرهای آسیب‌ها و آلودگی‌های فراوانی هم دارد، اندیشه

آرمان شهر هم مخلوش شد و به نسبیّت و شکاکیت دچار شد. ولی یهودیان هم چنان به جامعه آرمانی خود فکر می کردند که باید نژاد یهود در سرزمین موعود سکنی گزینند و آن جا را از لوث وجود بیگانهها پاک گردانند و دولت یهود را در آن جا برقرار کنند تا مرزهای توراتی به عینیت برسند که حتی یک وجب آن نباید تحت تملک غیر یهود باشد. در این پادشاهی دلوودی، یهود حاکم بر دنیاست و سرزمین شیر و عسل با باغ های زیبا و پر میوه خود و آرامش و اقتدار پادشاهی از نسل دلوود در خدمت پندگان برگزیده یهوه می باشد. بی دلیل نیست که تجارت روسپی ها به ویژه از میان دخترکان اوکراین، روسی و اروپای شرقی به اسرائیل، آمریکا و انگلیس در دستان مافیای سکس یهودی دنیاست.^۵

در سرزمین مورد انتظار یهود، تمتعات مادی به طور کامل برقرار است. آری کنیزکان سفید باید تحت مالکیت انسان های برتر باشند تا اسرائیل، ارض موعود خدای اسرائیل، آرمان شهر یهود شود. بشر جدید تحت تأثیر همین تفکرات که از یهودیت فریسی - خاخامی به پروتستانتیسم و سپس کالونینیسم و فرهنگ غرب امروز تزریق شد، بیشتر به حیوانیت اهمیت می دهد و اصرار در حیوانیت خود دارد؛ تا آن جا که مدینه آیده آل هم، مدینه حیواناتی است که خوب بار می برند و خوب می خورند.^۶

آرمان شهر صهیونیستی، یک جامعه بسته است که فقط نژاد برتر حق تمتع از دنیا را دارد و حتی کار هم، برای غیر یهودی ممنوعیت دارد و بیگانهها یعنی غیر یهودیان، شأنی جز نوکری یهود ندارند و وحشی ها با همان دشمنان یهود، باید از دم تیغ گذرانده شوند و حتی به زنان باردار و حیوانات آن ها هم نباید ترحم کرد؛ با این نگاه، این فقرات کتاب مقدس یهودیان جهان، قابل فهم است:

پسران گرانبهای صهیون را که روزگاری با زر ناب برابر می بودند^۷ گفتیم که شما خداپایند و فرزندان خدای بزرگید. برخیز ای خدا - ای فرزندانم - و بر روی زمین داوری کن، زیرا تو همه امت های جهان را متصرف خواهی شد.^۸ زیرا تو برای یهوه خدایت، قوم مقدس هستی. یهوه خدایت تو را برگزیده است، تا از جمیع قومهایی که



روی زمین‌اند، مخصوص برای خود او باشی.^۹ نسل تو، دیگر مال را تصرف خواهد کرد.^{۱۰} فقط به برادرانتان، به بنی اسرائیل باخشنودت، تحکم و سروری نخواهید کرد.^{۱۱}

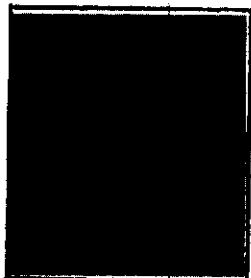
در اندیشه صهیونیستی، کلمه عبری *عالیاه* (Aliah) که اصطلاحی دینی و به معنای علو و صعود به سرزمین موعود است به معنای مهاجرت اشغالگرفته سکن‌گزین به فلسطین به کار رفته است و در برابر آن مهاجرت معکوس یهودیان از سرزمین موعود اسرائیل به موطن و محل تولد اولیه یهودیان، با کلمه عبری *یریلاه* (yeridah) به معنای هبوط و عقب نشینی و ارتداد به کار می‌رود، نه با کلمه عبری بی طرف *هجیرا* (hajirah) که فقط معنای خنثای مهاجرت را دارد.^{۱۲} این چنین، ادبیات صهیونیستی هم با نژادگرایی و آرمان گرایی بسته یهود هماهنگ می‌شود و حتی در استعمال واژه‌ها هم جهت‌دارانه عمل می‌کند.

کارل مارکس یهودی هم که نقدهایی به اتویبای سرمایه‌داری داشت^{۱۳}، از ایده بهشت زمینی نگذشت و کمونیست‌ها هم که ماده گرایی‌را در مکتب خود نهادینه کرده بودند، این حرف اصالتاً یهودی را رواج دادند؛ البته در تبیین صهیونیستی بودن انقلاب ۱۹۱۷، که منجر به رسمیت یافتن کمونیسم در شوروی شد، نویسندگان زیادی قلم زده اند.^{۱۴}

واقعیت این است که کنار هم امنیت عنوان اتویبی بنی‌صهیون و معاد مادی در دین یهود، تمجیبی ندارد؛ چرا که ایده پاداش و جزا و بازگشت موعود یهودیان برای دیدن نتیجه اعمالشان کاملاً مادی و زمینی شده است. در کتاب مقدس، تنها در چند صفحه بسیار کم درباره پاداش و جزای یهودیان سخن رفته است که در همان جاها هم از معاد آخروی خبری نیست و پاداش‌ها، همه مادی هستند، مانند بیشتر شدن باران و محصولات و فرزندان و ثروت و...^{۱۵}

استاد توفیق در کتاب معروفش، *آشنایی با ادیان بزرگ* می‌نویسد:

معاد در تورات، بلکه در هیچ جای عهد عتیق نیامده است؛ پس باید گفت که تعبیر کلی آخرت در تنبیه ۱۶:۸ و برزلی ارمیا ۱۸:۲، به معنای عقابیت دنیوی است. از نظر تورات - لاویان ۲۶ و تنبیه ۲۸ - دهنداری در جلب نعمت‌های این جهان و بی دینی



در سلب آن‌ها تاثیر مستقیم و قطعی دارند. اعتقاد به جاودانگی روح، از قدیم در میان بنی اسرائیل وجود داشته و در چند فراز کتاب مقدس بدان اشاره شده است؛ ولی آن باور پس از بازگشت از بابل با عقیده به جاودانگی روح نزد آن قوم و قیام مسیحا [منجی موعود] پیوند خورد و اعتقاد به رستاخیز مردگان پس از پیروزی خیر بر شر [در همین جهان] را پدید آورد.^{۱۷}

حتی یهودیان صدر اسلام هم که به آیین اصیل موسوی نزدیک‌تر بودند، به دلیل وجود همین روحیه برتری نژادی می‌گفتند:

هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید.^{۱۸}

آن چنان خودپسندی بر آنان غلبه یافته که در روز محاسبه هم خون یهودی را رنگین‌تر از دیگران می‌دانستند؛ البته آیه‌ای نازل شد که این حرف را باطل کرد بگو:

ایا پیمانی از خدا گرفته‌اید پس خداوند هرگز از پیمان‌ش تخلف نمی‌ورزد - یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟^{۱۹} و همچنین افضلیت و برتری [به آرزوهای شما و آرزوهای اهل کتاب نیست؛ هر کس بد کند کبفر داده می‌شود و کسی را جز خدا ولی و یاور خود نخواهد یافت.^{۲۰}

حضرت جل و اعلا، ملاک برتری را تنها تقوا و ایمان صحیح می‌داند نه پندلرها و آرزوهای قومی و قبیله‌ای. بر خلاف این کلام الهی، در تورات می‌خوانیم که خدا حتی پس از ارتداد هم مردم خاص و برگزیده خود را دوست دارد و ایشان را مجتأناً دوست دارد^{۲۱} و همان ادعای یهودیان صدر اسلام، امروزه به صورت فجیع‌تری در تورات محرف وجود دارد که یهودیان اصلاً عذاب نمی‌شوند:

خداوند رحمان و کریم است، دیر غضب و بسیار رحیم؛ تا به ابد محاکمه نخواهد نمود و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت.^{۲۲}

در بحث پاداش و جزا، یهودیان اعتقاد دیگری هم دارند که همراه با عجب جمعی آن‌هاست؛ سعادت و نجات ابدی را به صورت جمعی برای بنی اسرائیل می‌دانند که در آیات قرآن هم به آن اشاره رفته است:

یهود می‌گویند: *خداوند به زودی ما را می‌بخشد.*^{۳۳}

در کتاب نسبتاً مفصلی که اخیراً منتشر شده^{۳۴} و مجله انجمن کلیمیان ایران^{۳۵} هم آن را تأیید و تبلیغ کرد، همه بحثی که در مورد آخرت شناسی در نزد یهودیان دارد این چند خط است که به طور کامل می‌آورم:

یکی از موضوعاتی که در تورات کمتر مورد توجه قرار گرفته، مسئله آخرت است. دانشمندان یهود برای اثبات معاد در تورات به مواردی استناد کرده‌اند که هرگز صراحت نداشته است.

سهس نویسنده یکی از استدلال‌های تلمودی را در اثبات جهان آینده می‌آورد. در کتاب *گنجینه‌های از تلمود*، که نوشته یک یهودی شاخص می‌باشد، در بخش جهان آینده دیدگاه فرق مختلف یهودی در این باره آورده شده است، که نکاتی از آن را یادآور می‌شوم:

صدوقیان - صدوقیان/ یکی از فرق مهم یهود - چنین تعلیم می‌دادند که با مردن جسم، روح نیز معدوم می‌شود و مرگ پایان موجودیت انسان است. انکار وجود جهان آینده، با انکار اصل پاداش و مجازات که فریسیان - فرقه مسلط در یهودیت امروز - برای آن اهمیت بسیاری قائل بودند، همراه بود و از این رو فریسیان با این بی‌ایمانی به شدت مبارزه می‌کردند. علت ظاهری این امر که چرا صدوقیان، اعتقاد به رستاخیز مردگان را رد می‌کردند، این بود که بنا به عقیده ایشان، دکری از این موضوع در اسفار پنج گانه تورات نیامده است و تنها در تورات شفاهی که مورد قبول آن‌ها نبود سخن به میان آمده است. این نظر صدوقیان را دانشمندان [فریسی] یهود به شدت رد کرده‌اند.^{۳۶}

سهس استدلال‌های فریسیان را در استفاده رستاخیز مردگان از فقراتی از تورات آورده است و آن چه به وضوح هویداست و خود فریسیان هم نمی‌توانند منکر شوند، این است که هیچ‌جا در اسفار پنج گانه تورات به طور صریح و شفاف از رستاخیز سخنی به میان نیامده است. علاوه بر صدوقیان، فرقه سامری‌ها - شومرونی‌ها - هم منکر رستاخیز مردگان هستند^{۳۷} ولی این که این رستاخیز مورد قبول عده‌ای از یهودیان، در کجاست، باز هم اختلاف است:

بین نظرات علمای یهود دربارهٔ مرگ و آخرت، اختلافات بازرزی را می‌توان مشاهده کرد. دانشمندان یهود دوران‌های اولیه، دوران ماشیح - مسیح موعود یهود - را با جهان آینده یکی دانستند. طبق نظر آن‌ها، منجی موعود به وضع و نظام فعلی در این جهان پایان داده، نظمی جاودان برقرار خواهد ساخت که در آن افراد عادل و نیکوکار، یک زندگی روحانی فارغ از قید و بندهای جسم را طی خواهند کرد. در حالی که معلمان دوران‌های بعدی، دورهٔ ماشیح را یک مرحلهٔ زودگذر واقع در میان دنیای فعلی و جهان آینده می‌دانستند.^{۳۲}

همین‌طور که این جملات تلمود صراحت دارد، گروهی از فریسیان، معاد را صددرصد مادی و همان دوران ماشیح می‌دانند ولی عده‌ای دوران ماشیح را واسطهٔ بین این جهان و جهان آینده می‌دانند، گرچه تصریحی نیست که جهان آینده از نوع دیگری غیر از این جهان مادی و دوران ماشیح باشد. شرط فیروزی در جهان آینده در تلمود، مطالعه و آموزش تورات و به‌جا آوردن فرامین خدا [ی یهود]^{۳۳} دانسته شده است و در جایی دیگر شرط سکونت در اسرائیل یا علاقه‌مند کردن فرزندان به آموزش تورات^{۳۴} برای نصیب بردن از جهان آینده قرار داده شده است. البته قولی هم به استفادهٔ عادلان و نیکان غیر یهود از نصیب‌های جهان آینده و عالم باقی گفته شده است:^{۳۵}

ولی باید مشخص شود که ملاک عدالت و نیکی غیر یهود از منظر یهود چیست. وجود باغ بهشت و جهنم هم با طبقات هفت گانه در تلمود پذیرفته شده است.^{۳۶} ولی نه مانند بهشت و جهنم در اسلام، بلکه بهشتی که خدا در آن با نیکوکاران گردش می‌کند^{۳۷} و مادی است و جهنمی که بر دانشمندان تورات و گناهکاران اسرائیل، اثری ندارد و در جهان آینده است و در آن گناهکاران در روز شنبه عذاب نمی‌شوند و اجباراً به استراحت می‌پردازند.^{۳۸}

دربارهٔ آخرین داوری، متنی در تلمود است که مادی بودن و همگنی جهان آینده با این جهان را ثابت می‌کند:

دانشمندان گفته‌اند در جهان آینده، ذات قدوس متبارک، نزول اجلال خواهد فرمود و فرشتگان کرسی‌هایی برای بزرگان اسرائیل برقرار خواهند کرد تا بر آن‌ها بنشینند. ذات قدوس متبارک، مانند رئیس دادگاه با پیران اسرائیل جلوس خواهد فرمود و



متفقاً ملت‌های ستمگر را داوری خواهند کرد، چنان‌که [در کتاب] آمده است خوانند
همراه پیران قوم خود، برای قضاوت خواهد آمد (اشعیا ۲: ۱۳).^{۳۲}

این تفکرات لبریز از قدسیت نژاد یهودی، مجوز هرگونه جنایت و گناهی را به صهیونیست‌ها
داده است و همین تفکرات را در بسیاری از فیلم‌های صهیونیستی شاهدیم. فیلم‌های بسیاری در
مورد اتوئی بنی‌صهیون یا همان بهشت زمینی، تهیه شده‌اند؛ برای نمونه در پویا نمایی فرار
جوجهای^{۳۳} در نهایت مرغ‌ها و خروس همپازشان، پس از این‌که بر دشمن خونریزشان غلبه کردند
و از اردوگاه مرگ و کوره مرغ سوزی و کارخانه پیراشکی سازی فرار کردند، در جنگلی مصفا به
زندگی آرام و لذتبخش خود می‌پردازند،

همچنین در فیلم هری پاتر هم شاهدیم که محیط بیرونی مدرسه هاکوارتز بسیار زیبا و
چشم‌نواز است و این مدرسه قدسی مآب و باشکوه در دامنه کوهی سرسبز و پوشیده از انبوه
درختان زیباست که ما را به یاد شهر اورشلیم در کنار کوه صهیون می‌اندازد. اطراف مدرسه
هاکوارتز هم‌چون بهشتی زمینی چشم‌نوازی می‌کند که ارواح گذشتگان، هم‌نوع هاکوارتزی‌ها به
راحتی در بین زندگان در رفت و آمد هستند و با هم زندگی می‌کنند. انگار این ارواح جاودانه
نمی‌خواهند در جای دیگری جز سرزمینشان باشند. سمبل گروه گریه‌میزر هم که به مانند قبیله
هری پاتر تلقی می‌شود، همان سمبل معروف قبیله ماده‌گرای یهودا می‌باشد که بر دیگر گروه‌ها
و قبایل پیروز شد و رهبری بنی‌صهیون را به دست گرفت؛ یعنی سمبل شیر غرآن ایستاده که
اکنون هم در آرم بسیاری از شرکت‌های یهودی دنیا مانند روچیلد دیده می‌شود.

در این فیلم برخی افراد دارای نژاد درجه اول نیستند و موکول خطاب می‌شوند و ملاک خون
اصیل بسیار اهمیت دارد.

در فیلم‌های بسیاری که نام معناگرایی را هم یدک می‌کشند عناصر یهودیزه فرهنگ هالیوود،
در بحث معاد مادی به چشم می‌خورند؛ مانند فیلم حس ششم^{۳۴} ساخته اهمیت شیمالان که روح
مردگان پس از مرگشان در بین زنده‌ها حضور دارد و برخی زندگان با آن‌ها در ارتباطند و آن‌چنان
زندگان و مردگان با هم زندگی می‌کنند که مخاطب سردرگم می‌شود. در فیلم آب سیاه^{۳۵} هم



شاهدیم روح دخترکی که پشت بام آپارتمان محل زندگی قبلی اش، فوت کرده است در آن آپارتمان رفت و آمد دارد و به دنبال مادر خویش آمده است؛ ولی چون مادرش از آن محل رفته است، زن دیگری را به عنوان مادر خویش برمیگزیند و با دخترک آن زن، طرح دوستی می‌ریزد و در انتهای فیلم هم به مادر جدیدش می‌رسد و سپس به آرامش می‌رسد. در فیلم دیگران^{۲۸} نیز، شاهد حضور آزاد مردگان در بین زندهها و در همان خانه قبلی زمان زندگی شان هستیم. بد نیست در این جا حرف مصطفی عقاد را یادآور شویم که گفت:

در هالیوود همه چیز کنترل می‌شود حتی سوژه... همه کاره تولیدکنندگان و تأمین کنندگان مالی صهیونیست هستند که هرگز، حتی اجازه مطرح کردن سوژه کاری ای خلاف نظرشان را به کارگردان نمی‌دهند.^{۲۹}

در سه گانه ارباب حلقهها شاهدیم شهری که برای تصرفش، سپاهیان خیر و شر در برابر هم صف آرای می‌کنند. شهر روحان، بسیار زیباست و رؤیایی تصویر شده است که در کناره کوهی بلند بنا شده است. در انتهای فیلم که شیطان به قصر دریاچه آتش می‌افتد و در جنگ مغلوبه می‌شود، یاران گاندولف، به سرزمین خوش آب و هوا و بهشت وار خود باز می‌گردند و در آرامش و صفا زندگی جاودانه‌ای را می‌گیرند. در این فیلم، عصای موسوی گاندولف و چهره پیامبرانه اش که سوار بر اسب سفید برای نجات شهر خدا می‌جنگد، ما را به یاد اساطیر صهیونیستی رایج در هالیوود پیرامون واپسین نبرد برای نجات اورشلیم، شهر خدا می‌اندازد.

در ماتریکس هم در نهایت، تم که یادآور مسیح جدید - یهود - می باشد، با فدا کردن خود شهر صهیون - Zion - را نجات می‌دهد و آرامش و بهروزی را قرین مردم سرزمین صهیون می‌کند. در فیلم سفر تک شاخ نیز، پدر و دو دخترش که با پشتیبانی معنوی مادرشان، در راه نجات جزیره خوشبختی از دست وحشی‌ها تلاش می‌کنند، موفق می‌شوند که آن سرزمین کهن را با تلاشی فراوان نجات دهند. فضای درون جزیره، کاملاً به مانند بهشتی تصویر شده است که زیبایی، امنیت و آرامش در حد اعلا در آن وجود دارد و رنگهای نشاط بخش آبی آسمانی و سبز، محیط این فردوس ناسوتی را همان آرمان شهر موعود زمینی و بهشت برین این دنیایی به ذهن

مخاطب اقا می‌کند؛ البته این زمین وعده داده شده به راحتی به دست نمی‌آید و مانند انیمیشن فرار جوجهای باید قهرمان اسطوره‌های با سلوک خود، این بهشت گمشده را بیابد و همان‌طور که گفته شد این سلوک، همان قرائت و عمل به تورات است.^{۲۰}

در انیمیشن سرزندیتی^{۲۱} کتا، پسرکی است که والدین خود را به مانند بسیاری از آثار صهیون‌مآب ویژه کودکان، در طوفان دریایی از دست می‌دهد و به طرز معجزه آسایی نجات پیدا می‌کند و با کمک داینامسوری زیبا و فرشته وار به نام سرزندیتی، به جزیره ناشناخته یا جزیره بهشت (Paradise Island)^{۲۲} می‌رسد. جزیره ای که با فرماندهی یک پری دریایی به نام خاتم لورا اداره می‌شود و کاپیتان اسماج به طمع بالای کشیدن طلاهای این جزیره اتویایی، در تلاش است. کتا و سرزندیتی چند بار چنان جزیره را نجات دادند که دیگر کسی آن‌ها را غریبه نمی‌شناخت.

اسطوره خدای ضعیف، توحید قومی، الوهیت یهود

خدا در کتابهای مقدس محرف یهود، همان‌طور که آمد، جسمانی، ضعیف و انسان‌گونه تصویر می‌شود و این نیست مگر به دلیل روحیه به شدت زمینی شده و چسبیده به تعلقات قومی و قبیله‌ای و خود محورانه آنان که تورات را تحریف و تاویل کردند. دین یهود، آن‌چنان این دنیایی شده است که الهیات آن بر محور تورات، زمین و خون اصیل دور می‌زند؛ در تلمود می‌خوانیم:

تات قدوس متبارک، سه هدیه گران‌بها نصیب اسرائیل [و نه دیگران] کرده است؛
لکن هیچ یک از آن‌ها را بدیشان نمی‌دهد، مگر پس از آن‌که رنجها و سختی‌های فراوانی را تحمل نمایند و آن سه هدیه عبارتند از تورات، سرزمین اسرائیل و جهان آینده^{۲۳}

در قباله می‌خوانیم:

یهودی، خدای زندگای است در کلید انسان، و یهودی الوهیت جهان است. و خداوند

با خطوط سیمای یهودیان، خود را بر روی زمین آشکار می‌سازد

خاخام جوکاتان می‌گوید:

همه خاخامها خدا خواهند شد و به آن‌ها جواها خواهند گفت.

خاخام آبهو می گوید:

خاخامها صاحب و اختیاردار حکمرانی خداوند در زمین هستند، خداوند مجبور به برآوردن و تدارک خواسته‌های آنان است.

و در نهایت:

ساحری بسیار خطرناک می‌تواند بر خدا سایه افکند، با وجود آن، خاخام کانینا از انجام آن ابا نکرد. این، برای آن بود که او از خدا خیلی برتر و بالاتر بود.^{۳۳}

آن چنان تفکر تضعیف خدا در صهیونیسم گسترده شد که پس از جنگ جهانی دوم، یهودیان گفتند:

خدا در جنگ دوم جهانی، بندگان خود یعنی یهودیان را رها کرد و اکنون دیگر زمان کنار نشستن و پشیمانی اوست!^{۳۴}

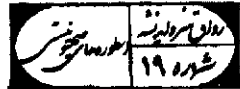
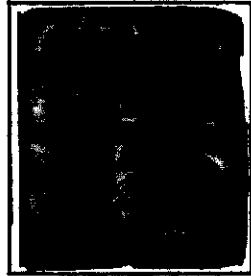
حرفی که در مکتب دنیسم در قرن هفدهم، متأثر از خزعات متون یهودی درباره خدا، عملی شده بود و حقیقتاً خدا را پس از آفرینش به کناری راندند و بشر همه کاره شد؛ چرا که به گفته آگوست کنت، متون اومانیسم:

در مکتب دنیسم، خدا خالق بوده، ولی به دلیل کوتاهی دست او از هرگونه تصرف و اعمال نظر، بایسته سمت پرورگار نیست.^{۳۵}

سخن اخیر رهبر کاتولیک های جهان، اشاره‌ای به ضعف اندیشه خداپاوری در مسیحیت فعلی متأثر از پولس یهودی، نیز دارد:

پاپ در دیدار اردوگاه آشویتس و بیرکناو خطاب به یهودیان کشته شده در این اردوگاهها گفت: در چنین جایگاهی زبان ناتوان است، تنها می‌توان به سکوتی مرده تن سپرد. سکوتی که در آن فریادی به سوی آسمان نهفته است. سخن گفتن بسیار سخت است و دوست دارم به خاطر همه کسانی که از عشق به خدا و عشق به حقیقت رنج می‌برند از اعماق وجود فریاد بکشم، خدایا، چرا خاموش؟! چطور توانستی این همه بیسازد و پرورزی شر را تحمل کنی؟!^{۳۶}

این گفته مورد اعتراض شدید برخی دانشمندان مسیحی قرار گرفت.^{۳۸}

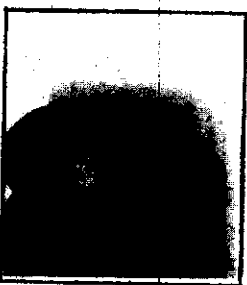


در فیلم‌های هالیوودی صهیونیستی، عملاً دیگر خدایی وجود ندارد و بشر غربی با رهبری یک دانشمند یا تکنسین یا رزمی کار یهودی، جهان و یا سرزمین خاصی را نجات می‌دهد. مانند فیلم ماتریکس که تنو بدون حضور هرگونه خدایی و تنها با تکیه بر توانایی‌های فردی توانست زایان را نجات دهد و یا در فیلم‌های جنگ ستارگان یا هری پاتر یا مریخی‌ها حمله می‌کنند یا آرمادون و در همه این فیلم‌ها با تکیه بر علوم یا جادوی بشری، پروژه نجات به سرانجام می‌رسد. در این قبیل آثار، حداکثر حضور خدا در بعضی گفت‌وگوهای بسیار کوتاه اصطلاحی فیلم‌هاست و در مقابل در فیلم‌هایی چون پرنس مصر و کتاب آفرینش حتی پیامبران خدا هم به او پرخاش می‌کنند و از تنهایی خود یا قوم یهود به او شکایت می‌کنند.

این روند ادامه پیدا می‌کند تا جایی که در فیلمی چون مومیایی خدای شیطانی قدرتمندی، در عرض خدا تصویر می‌شود و در فیلم طلوع نحس^{۳۹} شیطان حتی از خدا هم قوی‌تر وارد عمل می‌شود و مسلط بر جهان می‌گردد. خدای کتاب مقدس در سفر خروج ۲۵: ۱-۴۰ به شدت شبیه خدای فینیقی بعل می‌شود که معبدی طلائی و انباشته از گران‌بهاترین کالاهای آن عصر می‌خواهد، تا در میان مردم خود ساکن شود.^{۴۰} این تأثیرپذیری شدید فرهنگ یهودیان از بت پرستان اطراف، در بین یهودیان تبدیل به کلیشه‌ای شده است که هنوز هم ادامه دارد؛ گرچه اکنون صهیونیست‌های واقعاً بی دین و لائیک به اعتراف تنودور هرتسل و دیگر رهبران^{۴۱} این آیین را بیش از پیش بازپخته دست زرسالاران دنیاپرست کرده‌اند. ساختن فیلم‌ها و کارتون‌هایی مانند هرکول و اله‌ها و خدایگان مصر، یونان، روم و ایران باستان در هالیوود و تبلیغ اساطیر مشرکانه دیگر اقوام هم به دلیل همین ضعف بنیادین مفهوم خدا در بین یهودیان و بالتبع مسیحیان این روزگار است؛ در صورتی که در تفکر اسلامی چنین ضعفی اصلاً احساس نمی‌شود و بر همین مستدلی چون واجب و مکمل و فقر ذاتی روزنه نفوذی برای خدشه هیچ عقلی باز نمی‌گذارد و جلوی سوء استفاده شیاطین را می‌گیرد.

اسطوره شیطان قدرتمند، پرستش شیطان با پیامبری یهودی

هم زمان با تحریف اندیشه خدا در بین یهودیان، خطواتی پر اوجاج درباره شیطان و قدرت او



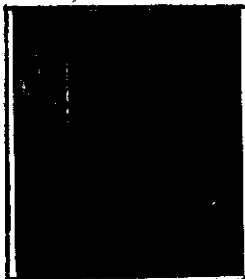
در یهودیت و بالتبع مسیحیت، راه پیدا کرد در بسیاری از اساطیر باستانی مصر، یونان و روم باستان، نوعی استقلال برای خدایان فرعی در نظر می گرفتند، نه این که چند خدا در عرض هم قبول داشته باشند؛ البته گروهی هم چنین بودند ولی به علت وضوح بطلان اندیشه چند خدایی، نقد و تحلیل اندیشه وثنیه - نوعی بت پرستی - غامض تر است، چرا که در فرهنگ دهخدا در تبیین تفکرات وثنیه می خوانیم:

فرقلای از کفار و بت پرستان می باشند و می گویند خدا یکی است و آنان را در شمار مشرکان آورده، برای آن است که معبود سزاوار پرستش را متعدد دانند، نه آن که واجب بالذات را متعدد شمارند؛ زیرا آنان بت را به صفت الوهیت وصف نکنند بلکه بتان را مظهر پیاپی و زهاد یا فرشتگان یا ستارگان پندارند و خاطر خویش را به پرستش آنان مشغول دارند. باشد که آنان وسیله شوند که ایشان را به معبود و خداوند حقیقی برسانند.^{۵۲}

به هر صورت، این مکتب هم مانند ثنویت - دو خداگرایی - و تکللیت - سه خداگرایی - یا چند خداگرایی، نحوه ای استقلال برای خدایان فرعی قائلند و همین اصالت دادن به فرشتگانی ویژه یا دیگر موجودات که در واقع از مظاهر اسماء و صفات خدای سبحان هستند، باعث محدود شدن واجب الوجود می شود. اینان در این عقیده، گرچه در مقام توحید ذاتی موحدند؛ ولی در مقام عبادت و استعانت مشرک هستند و همین شرک، شروع غمباری است بر پایانی وحشتناک و غیرقابل باور چون پرستش شیطان.

برخی شیطان پرستان امروزی هم طاووس را ملکی از فرشتگان خدا می دانند که بر حکم نابه جای الهی! یعنی سجده بر انسان، شوریدا؟ اینان ظاهراً شیطان را خدایی در عرض ذات باری نمی دانند و او را آفریدهای از جانب یزدان می دانند که بر علیه خدایش ایستاد.^{۵۳} به عقیده برخی، اینان را نیز پدیده نام نهادمانند که تفکرات آن ها معجونی از باورهای میتراپی - مهرپرستی -^{۵۴} زرتشتی و تصوف است.

پرستش شیطان هم می تواند ریشه ثنوی داشته باشد؛ یک خدای شیطانی و یک خدای نیکی و هم می تواند حتی یک خدای مستقل - تنها شیطان - را کارگردان امیل هستی بداند و یا چند



شیطان را خدایان هستی بدانند در تورات تحریف شده هم، در داستان حضرت آدم و حوا می بینیم که شیطان، آن دو را به استفاده از درخت معرفت تشویق می کند تا رمز جاودانگی را بیاموزند با ناپاوری شاهدیم که در کتاب مقدس یهود، آن دو با خوردن میوه ممنوعه به معرفت می رسند^{۵۵} معرفتی که خدا نمی خواست ابناء بشر به آن دست یازند!

در هالیوود فیلم هایی که در ارتباط با شیطان ساخته می شوند، چند گروهند: برخی چون هری پاتر و ارباب حلقه ها قدرت زیادی را به شیطان می دهند؛ گرچه حرفی از خدا به میان نمی آید گروهی از فیلم ها مانند جن گیر و طلوع نحس ۱ و ۲ و ۳^{۵۶} نامی از مسیح هم در کنار شیطان می آورند؛ ولی بزرگ نمایی و هراس از قدرت شیطان، در این آثار موج می زند. بعضی از این آثار، شیطان را در عرض خدا تصویر می کنند. برخی دیگر، شیطان را پر قدرت تر از خدا به صحنه سینما می آورند؛ مانند طلوع نحس ۳ و کنستانتین.^{۵۷}

همه این فیلم ها واهمه از قدرت شیطان را به میان آمیان می کشانند و ترس از قدرت شیطان، مقدمه تسلیم در برابر او و ناامیدی از رحمت الهی و گرایش به سمت ابلیس و پرستش اوست. هر که از شیطان یا هر موجود دیگری در هراس باشد، در حقیقت به نوعی در برابر قدرت او تسلیم شده و یوغ بندگی او را به گردن خویش آویخته است. قرآن مجید می فرماید:

إِلْمَا ذَلِكُمْ الشَّيْطَانُ يَخُوفُ أَولِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونِ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

همانا شیطان باران خویش را می ترساند؛ پس ای مؤمنان! اگر به خدا ایمان دارید از شیطان نهراسید.^{۵۸}

امروز، اومانیزم نژادپرست یهودی، خود را صاحب، مالک و خدای قدرتمند جهان منحط به حساب می آورد و با ابزار رسانه، پیام های شیطانی و منحوسی را در دنیا گسترانیده است. هالیوود پیام آور دنیاطلبانی شده، که برای حفظ قدرت خویش، معناترایی پس از مدرنیته را هم به انحراف کشانده اند و با ترویج عرفان های تقلبی و متلفیذیک های مکوس^{۵۹} در تلاشند که جلوی رشد اسلام ناب را بگیرند.

۱- انبوی و عصر تجدد، رضا ثوری اردکانی، نشر ساقی، چاپ اول، ۱۳۶۹، تهران، ص ۳۳.

۲. منبع پیشین، ص ۱۵.

۳. به نقل از سخنرانی دکتر رجایی - از شاگردان دکتر سید احمد لرزیده که بعدها کارخان فرهنگی ایران در آلمان شد - در سالگرد شهادت سید مرتضی آوینی در شهر مقدس قم سال ۱۳۷۶.

۴. تاریخ مذهب یهود؛ بار سنگین سه هزاره، پراسور لسبرگیل شلهاک، ترجمه مجید شریفه انتشارات چاپخش، چاپ اول، ۱۳۷۶، تهران، ص ۲.

۵. در این باره ر.ک: مافیای یهودی تجارت زنان و دختران روسی، مائمانه سیاحت غرب، مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما، ش ۳۳ و هم چنین ر.ک: بیداری من، پیشین، بخش ریشههای ضد سلسله گری، کنیزکان سفید ص ۲۱۷.

۶. آوینی و عصر تجدد، پیشین، ص ۳۷.

۷. عهد عتیق، سفر مرثیه‌های ارمیا، باب ۴، فقره ۲

۸. عهد عتیق، سفر مزامیر، باب ۸۲، فقرات ۶ و ۸

۹. عهد عتیق، سفر کشیه، باب ۷، فقره ۶

۱۰. عهد عتیق، سفر اشعیا، باب ۵۲، فقره ۳.

۱۱. عهد عتیق، سفر لاویان، باب ۲۵، فقره ۳۶.

۱۲. زبان راهی برای نفوذ صهیونیسم، پیشین، ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

۱۳. آوینی و عصر تجدد، پیشین، ص ۳۱.

۱۴. مبانی فراماسونری، گروه تحقیقات علمی، پیشین، فصل فراماسونری و کمونیسم، ص ۳۲۲ و بخش انقلاب مردمی چین، ص ۳۲۰. هم چنین لوئیس مارشلگکو، الفیشمند مسیحی در کتاب خود با نام لئوچون جهانی، جانشینان عیسای جنگ جهانی دوم، ترجمه دکتر عبدالرحیم کرمانی، نشر مویجه فرهنگی، انتشارات تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۷ این مطلب را آورده است. در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی حتی گفتن این راز ناگفته هم جرم محسوب و خط قرمز یهود تلقی می شود.

۱۵. صهیونیسم در هالیوود، ریشه‌هایی عماد دنیوی در کتاب مقدس تحریف شده و بروز آن در هالیوود، حسین نویسنده، مائمانه دانش پژوه، سال چهارم، شماره ۳۱، آذر ۱۳۸۲، قم، ص ۱۲.

۱۶. آشنایی با ادیان بزرگه نشر نشت و مرکز جهانی علوم اسلامی و علم چاپ هفتم، بهار ۱۳۸۲، تهران، ص ۱۱۰ - ۱۱۱.

۱۷. اشاره به آیه ۸۰ سوره مبارکه بقره:

وَقَالُوا لَنْ نَمْسُقَهُ الْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَأْتِنَا فَتَحْمِلَهُ الْغَمْلُ فَأَنْزَلْنَاهُ فِي عَذَابٍ مُتَسَاوِينَ. وَلَنْ يُغْنِيَنَّ اللَّهُ الْكُفْرَانَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ.

۱۸. آیه ۸۰ سوره شریفه بقره.

۱۹. آیه ۱۲۳ سوره مبارکه نساء.

۲۰. عهد عتیق، سفر یوشع نبی، باب ۱۴، فقره ۲۵.

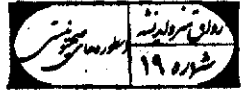
۲۱. عهد عتیق، سفر مزامیر، باب ۱ و ۳ - ۸ - ۱۰.

۲۲. آیه ۱۶۹ سوره شریفه بقره.

۲۳. یهودیت، عبدالرحیم سلیمانی لرزیده تهیه شده در انجمن معارف اسلامی ایران، نشر آیات عشق، چاپ اول، ۱۳۸۲، قم، ص ۹۰.

۲۴. نام مجله انجمن کلمیان ایران، الحاق بنده می باشد.

۲۵. کتیبه‌های از تلومد، دکتر کورام کهن، ترجمه از متن انگلیسی، سروان‌بنون گرگزی، ترجمه و تطبیق با متون عبری، بی‌موضوع تن ۹.



اهتمام امیرحسین صدری پور، زیر نظر یهودی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران، ص ۳۶۲، بخش رستاخیز مردگان.

۲۶. گنجینه‌ای از تلمود پیشین، ص ۳۶۵.

۲۷. منبع پیشین، ص ۳۷، بخش جهان آیند.

۲۸. منبع پیشین، ص ۳۷۲.

۲۹. منبع پیشین، ص ۳۷۳.

۳۰. منبع پیشین، ص ۳۷۵.

۳۱. منبع پیشین، ص ۳۹۱-۳۸۲.

۳۲. منبع پیشین، ص ۳۹۰.

۳۳. منبع پیشین، ص ۳۸۶.

۳۴. منبع پیشین، ص ۳۷۶، بخش آخرین دلوری.

35. RunChicken

۳۶. زمانی که رابطه استاد و شاگردی جناب ام. نایت شامالان، کارگردان هندی الاصل حس ششم (The Sixth Sense) را با اسپلبرگ بدنام و اطلاع داشته باشیم که فیلم حس ششم او نامزد هفت جایزه از آکادمی سانس - صهیونیستی آشکار شده است و فیلم دیگر او *نشانه‌ها* را با همکاری تنگاتنگ کمپانی یهودی - صهیونیستی وایت دیزنی ساخته است و همچنین بدنام که در خوش خدمتی به اساطیر صهیون چنان خوب عمل کرده است که می‌خواستند ساخت هری پاتر ۳ را به او بسپارند (ر.ک: صهیونیسم در هالیوود پیشین، ص ۱۱۳) آن‌گاه قطعاً باور می‌کنیم که مضمون نماد ملای فیلمش کاملاً به نفع ترویج اساطیر صهیونیستی بوده است.

37. Dark Water

38. The Others

۳۹. شماره سوم سوره، دوره زندگی شهید آوینی، اخیراً باز هم مجله و سایت سوره این مجله با عقاد را منتشر کرده است:

www.ircap.com

۴۰. گنجینه‌ای از تلمود پیشین، ص ۳۷۲.

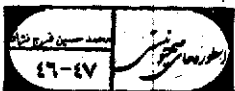
۴۱. این اثر به صورت سریالی ۲۶ قسمتی توسط یک شرکت ژاپنی ساخته شد و در عربستان با نام *میمونه* و مسعود بخش شد. سرگذشتی (Serendipity) بر انگلیسی به معنای خوشبختی، نعمت غیر مترقبه تحصیل نعمت غیر مترقبه می باشد و در افسانه‌های ژاپنی سرگذشتی، نگهبان دریاست. در نسخه فرانسوی این کارتون، گنا به نام بابی (Bobby) خوانده می‌شود که به معنای پلیس و پاسبان است. ر.ک: داینامور صورتی، *کاوه مظهری* هفته نامه مشهوری جوان، شماره ۸۷، پیشین، ص ۲۸.

۴۲. نام اصلی این همپیشن Friends on Pure Island می باشد. دقت کنید که برای توصیف این جزیره کلمه Pure به کار رفته است که به معنی جزیره پاک، خالص، ناب و نژاد اصیل است. ر.ک: لغتنامه رایجی Babylon. شاید به همین دلیل است که در برخی کشورها این اثر را جزیره بهشت (Paradise Island) نام نهادند. ر.ک: منبع پیشین.

۴۳. منبع پیشین، ص ۳۷۱.

۴۴. همگی این فراها از این منبع آورده شده است: مبانی فراماسونری پیشین، ص ۱۹.

۴۵. به نقل از یک پایان نامه به زبان آلمانی از یکی از استاد.



۲۶. دیسم (deism) مکتبی است که در قرن ۱۷ میلادی در غرب به وجود آمد و به دلیل ضعف ادعاهای عملا در قرن ۱۹ قول کرد ولی آتش هنوز در فلسفه غرب باقی است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: آشنایی با مکتب دیسم، مرتضی کریمی، مجله معرفت، شماره ۷۲، بهمن ۸۲، ص ۷۰ و همچنین ر.ک: دیسم و اصول نظام سرمایه‌داری، علی اصغر خادمی، فصلنامه کتاب نقد، ش ۱۱.

۲۷. همان‌طور که در همین مقاله آمده مسیحیت از ابتدای تأسیس، زیر نفوذ شدید یهودیان ماده‌گرا بوده است تا جایی که پولس، دشمن مسیح، رهبر اصلی مسیحیان می‌شود و بطورس را غاصبانه از جانشینی عیسی (علیه السلام) منع و با او مخالفت می‌کنند در دوران‌های اخیر هم این روند تسلط ادامه داشته است تا جایی که برخی مقامات بلندپایه مسیحیت در حد پایه یهودی بودند مانند پاپ نسترتر و پاپ باعوم و کاردینال ب.ا. ر.ک: مپلی فرانسویزی، پیشین، ص ۲۶۴.

فستی از گزارش دیپلوم پاپ بندیکت شانزدهم را از مجله لیجن کلیمون ایران، اقی بیابا، شماره ۳۰، ص ۳۲ می‌آورم:

یکشنبه شب ۲۸ ماه مه ۲۰۰۶ پایه ۲۵ سال پس از پاپ لهستانی سابقه پای پیاده از اردوگاه مرگ نازی‌ها در لهستان دیدار کرد. پاپ ژوزف (یوسف) رایتزیگر آلمانی، در دیدار اردوگاه‌های آشویتس و بیرکناو گفته برای من به عنوان یک مسیحی و یک پاپ آلمانی سخن گفتن در چنین مکانی بسیار دشوار است.

۲۸. اخیراً هنری کسینجر، نظریه پرداز و سیاستمدار معروف آمریکایی، به سمت مشاور پاپ بندیکت شانزدهم برگزیده شد. این مطلب گویای این نکته است که پاپ به سیاستمداران صهیونیست - مسیحی آمریکایی نزدیکتر شده است. دیدار پاپ از ترکیه در آخرین ماه سال ۲۰۰۶ میلادی، تلاش او برای مسیحی کردن ترکیه مسلمان و بلاگردن خطرات امپراطوری روم شرقی به انان مردم دنیا بود. امپراطوری که از سال‌های اولیه قرن چهارم میلادی به واسطه پذیرش مسیحیت توسط امپراطور کستانتین، مسیحیت را دین رسمی خود اعلام کرد و آن را در میان اروپاییان گسترش داد. این سفر را برخی آغاز جنگ صلیبی جدید یهود و مسیحیت علیه اسلام تعطیل می‌کنند این سفر مورد اعتراض شدید مسلمانان قرار گرفت.

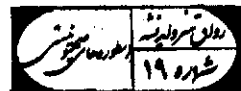
۲۹. طالع نحس 4 Omen به کارگردانی Gorge Montoya and Dominique Othenin-Girard

۵۰. زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، جلد اول، ص ۳۷۸.

۵۱. هر تزل که بنیان گذار صهیونیسم سیاسی است برخلاف صهیونیست‌های مذهبی که هدف عشاق صهیون را ایجاد یک کانون روحانی جهت نشر عقاید و فرهنگ یهودی، کسی پیش از ظهور در سرزمین صهیون (فلسطین) می‌دانستند به طور کامل به خدا شکاک بود و دولت اسرائیل را جایگزین خدا در بین یهودیان کرد. او اصلاً عبری نمی‌دانست و تنها برای خوشایند یهودیان چند کلمه عبری را در روز برگزاری اولین کنفرانس صهیونیسم با سختی ادا کرد. ر.ک: ماهیت اعتقادی و فنی صهیونیسم، پیشین، ص ۶۶.

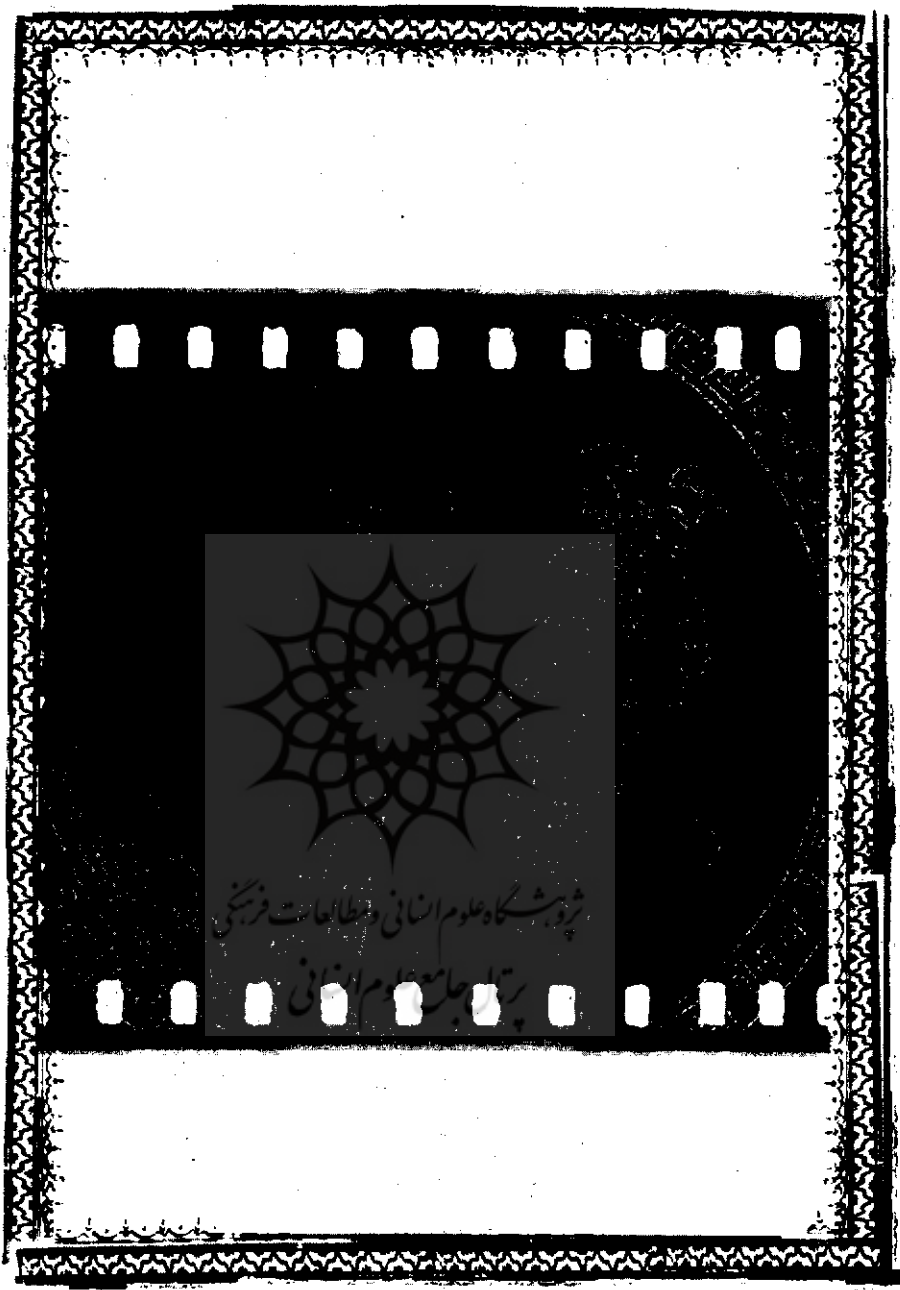
۵۲. فرهنگ دهخدا، لغت و تاریخ.

۵۳. این فرقه را برخی منسوب به یزید بن معاویه می‌دانند ولی برخی ریشه آن را به میترائیسم مزدکیسم، زرتشتی‌گری و مشون مقدس یهود و مسیحیت و برخی آیین‌های اسلامی می‌رسانند که از واژه یزدان اسم خود را برگزیده‌اند. البته ارتباط آیین با آیین غیرقابل انکار است چرا که در قرن سیزدهم میلادی یا ششم هجری این فرقه از میان رفته توسط عدلی بن مسافر لوی که به عنوان شیخ اعظم یزدیه بود بازسازی شد و هم اکنون قبر وی در لاکس واقع در کردستان عراق، کبه یزدیان است. از طرفی جشن‌های یزدیه‌ها بر اساس تقویم زرتشتی - میترایی استوار است. در این باور شیطان دشمن خدا نیست بلکه شریک او در آفرینش است و آموزگار خودمندی برای انسان‌هاست؛ چرا که به عقیده آیین خدا پس از آفرینش انسان کنار کشید و دخالتی در نیکی و بدی جهان ندارد. مانند مکتب دیسم در قرن ۱۸ میلادی که توسط پروتستان‌ها و یهودیان اروپا به وجود می‌آید. ر.ک: گزارشی از فرقه یزدیه (شیطان پرستان) خبرنامه آدیان و



- منظومه نشریه داخلی لیجن علمی لبنان و مناهب حوزه علمیه قم، شماره اول، بهمن ۸۴، ذی الحجه ۱۳۲۵ ق و همچنین در کد مقاله یزدیه؛ شیطان پرستی یا تنهیت گرای؟، دکتر محمدنسی سلیمه، مجله مشکلات، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۷۵، ص ۹۷ - ۹۱.
۵۴. به نوشته فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، تألیف شده، نشر سرایش، تهران ۱۳۸۰، میترا یا مهر در کتاب مقدس زرتشتیان اوستا از آفریدگان اهورا محسوب شده است و خدای محافظ عهد و پیمان است و از این رو فرشته فروغ و روشایی است و به نوشته فرهنگ مصور، نماهای منتهی جی سی کویپر ترجمه علیجه کریمیان، نشر فرشاد، تهران، ۱۳۳۸، چاپ اول، ص ۲۵۸؛ مهر، ایزدی ایرانی - رومی است. نامش به مفهوم عهد و پیمان است و داور مردگان می‌باشد.
۵۵. عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳، عنوان سقوط انسان. در فقرة ۲ همین باب، می‌خوانیم:
- مار گلت مطمین باشید با خوردن از میوه ممنوعه نخواهید مردا بلکه خدا خوب می‌داند که از میوه آن درخت بخورید چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا می‌شوید و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید.
- نکته اجتناب بر فکیز این است که تورات در فقرة بعدی حق را به شیطان می‌دهد چرا که حوا و آدم از میوه درخت ممنوعه خوردند آن‌گاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند!
۵۶. طالع نحس ۱ - Omen1 - در سال ۱۹۷۶ به کارگردانی Richard Donner ساخته شد. طالع نحس ۲ - Omen۲ - در سال ۱۹۷۸ به کارگردانی Don Taylor ساخته شد. طالع نحس ۳ - Omen3 - در سال ۱۹۸۱ به کارگردانی Graham Baker ساخته شد.
۵۷. این فیلم محصول سال ۲۰۰۵ شرکت Warner Bros Pictures به کارگردانی Francis Larence نوشته Kevin Brodwin , Frank Cappello می‌باشد.
۵۸. قرآن کریم، آل عمران، آیه ۱۷۵.
۵۹. متافیزیکه برای اتصال بشر به عالم علیاست و متافیزیکه که انسان را از حیوان هم پستتر کند را به روشنی می‌توان متافیزیک مکوس نام نهاد.

پروژه‌های پژوهشی
پرتال جامع علوم انسانی



شهره بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی